سیاست و حکومت ایران در پرتو سند چشم انداز

محمود عزیزی تابش

دانشجوی دکتری مسائل ایران

**چکیده**

سند چشم انداز بیست ساله بعنوان سندی بالادستی که تعیین کننده استراتژی کلان کشور از سال 1384 تا 1404 است، بحث های زیادی را با خود به همراه داشته است. شناخت هر چه بیشتر این سند و اهداف آن، که اساس کار برنامه های توسعه پنج ساله در کشور بوده، نیازمند بررسی در این باره است که این سند از درون چه سیستمی بیرون آمده است و به چه نحو بر سیاست و حکومت در کشور تأثیر گذاشته است. تحقیق پیرامون این مسئله می تواند به فهم ما، در این راستا که تهیه سند چشم انداز تا چه حد مبتنی بر کار تخصصی و کارشناسی بوده است و تا چه حد می تواند و توانسته است تا کشور را در مسیر نائل شدن به اهدافش و افزایش قدرت کشور کمک کند و نیز موجب افزایش مشروعیت رژیم سیاسی حاکم بر کشور شود. بررسی سند چشم انداز دربردارنده مجموعی ای از هست ها و باید هاست؛ باید دید و بررسی کرد که این باید ها و هست ها به چه نحو در تنظیم سند مورد توجه قرار گرفته است.

**کلمات کلیدی:** سند چشم انداز 20 ساله، مؤلفه های قدرت ملی، مشروعیت سیاسی، سیستم سیاسی، مجمع تشخیص مصلحت، مردم، رهبری.

**مقدمه**

 در ادبیات مدیریت و رهبری یک اصل اساسی وجود دارد و آن این است که همه کارها قابل انجام است. با در نظر گرفتن اینکه هر کار هر چه دشوارتر، برنامه ریزی دقیق تر **؛** مطالعات و تجربیات انسانها و جوامع نشان داده است که با تصور و طراحي وضعيت مطلوب و يافتن يا پيش بيني كردن راهها و وسايل نيل به آن وضعیت می توان به آن دست یافت ؛ از این روست که گفته اند برنامه ریزی یعنی پیش بینی و تغییر آینده یا تصور و طراحي وضعيت مطلوب و يافتن يا پيش بيني كردن راهها و وسايل نيل به آن. باید برنامه ریزی را جوهر مدیریت به شمار آورد و از آنجا که برنامه ریزی برای دست یابی به یک هدف و تحقق بخشیدن به آن است از این رو جوهر و قلب برنامه را نیز باید هدف و هدف گذاری دانست و به همین سبب علاوه بر ضرورت برخورداری از هنر مدیریت و مهارت برنامه ریزی نیازمند به برخورداری از مهارت هدف گذاری نیز هستیم . برنامه ریزی ما را نسبت به انجام فعالیتهای معین و خاص برای تحقق بخشیدن به اهداف ملزم و متعهد می سازد و خود نیز یک ابزار کنترلی است. (امیری:1385،ص34-5) چشم انداز اهداف سامانه‌ای مجموعه تحت مدیریت در مقاطع زمانی کوتاه مدت، میان مدت و یا بلند مدت است. امروزه بسیاری از کشورها و حتی شرکتها و یا سازمان های بزرگ اقتصادی جهان، برای بهینه کردن سامانه مدیریتی خود و دستیابی به کارایی و کارآمدی بیشتر، چشم انداز خود را برای مقاطع زمانی آتی تعریف نموده می‌کوشند، سایر سیاست گذاری های خود را بر مبنای این طرح کلان به پیش برند. در حال حاضر در برخی از کشورها مانند آمریکا که به صورت فدرال اداره می شوند قطعا برای برخی از ایالت ها این چشم اندازها ترسیم شده است.( اخوان کاظمی:1385 ، ص ۸۱)

در این نوشتار به بررسی سند چشم انداز 1404 در ارتباط با سیاست و حکومت در جمهوری اسلامی ایران خواهم پرداخت. یعنی اینکه بررسی *رابطه میان سند چشم انداز و سیاست حکومت جموری اسلامی* هدف اصلی ما خواهد بود. چشم انداز عبارت است از آرمان های قابل دسترس در بلند مدت که متناسب با ارزش‌ها و آرمان‌های نظام و مردم تعیین می گردد. (همان: ص 65) برای روشن شدن این بحث به سه مسئله توجه می شود: اول، سند از درون چه سیستمی بیرون آمده و روند تصمیم سازی و تبدیل شدن به قانون پیرامون آن به چه نحو بوده است. دوم، مؤلفه های قدرت ملی در سند چشم انداز به چه نحو مورد مداقه قرار گرفته است. سوم، به نقش سند در بازتولید مشروعیت حکومت خواهیم پرداخت. می توان گفت که سند چشم انداز از دل سیستم کارشناسی به وجود آمده است که وجه سیاسی آن ها بارزتر از وجوه تخصصی و کارشناسی آن هاست. همچنین سند مذکور به بازتولید قدرت حاکم در کشور می انجامد و ناظراست به افزایش قدرت کشور و مشروعیت نظام. در سند، رابطه میان مردم و حکومت از نوع ارشاد و هدایت است و بازخوردی نسبت به سند از طرف مردم صورت نگرفته است.

1. **تعریف سند چشم انداز**

دو تعریف برای چشم انداز ارائه شده است: یکی تعریف چشم انداز براساس پیش بینی؛ یعنی بر مبنای حال حاضر آینده را ترسیم کنیم. در اینجا به امکانات و ظرفیت های موجود توجه می شود و با توجه به آن آینده ترسیم می شود. دوم، روش آینده نگری در تدوین چشم انداز؛ یعنی ما در آینده ایستاده ایم و برای حل وضعیت فعلی به آینده می اندیشیم. سند چشم انداز جمهوری اسلامی ناظر به حالت دوم است و از منظر آینده در تکاپوی وضعیت ایده آل است.( اعرابی، رزمجوی:1384،ص57) خط مش های عمومی نقش اساسی را در روند توسعه ملی کشورها ایفا کرده و در تحولات راهبردی آنها به طور قاطع تأثیرگذار هستند. برایسون معتقد است که خطی مشی های عمومی ممکن است، هم منبع مسائل راهبردی کشورها باشد و هم راهبرد های مورد استفاده برای حل آنها.(کاظمی، نظامی:1389، ص 48) آینده پژوهی در حقیقت دانش و معرفت شکل بخشیدن به آینده به گونه ای آگاهانه فعالانه و پیش‌دستانه است. همان دانش و معرفت که می تواند بعضی رویاها، آرزوها، و آرمان‌های نجیب و اصیل یک فرد یک سازمان و یک ملت را بارور کند. چشم انداز یعنی تصویری الهام بخش از آینده جامعه که باید مبتنی بر درکی روشن از آینده باشد. اولین دستاورد تجهیز به آینده پژوهی می‌تواند آفرینش یک چشم اندازه شکوه مند باشد.( ملکی فرد:1385، 7-12)

تحولات گسترده در جهان معاصر ابعاد مختلف زندگی بشر را درنوردیده و سیر تحول دانش و اندیشه توسعه در جوامع انسانی روزبه‌روز متعالی تر می شود. بر این اساس، از آنجا که ملت ایران خود را مستحق دست یافتن به قله های پیشرفت، رشد و شکوفایی علمی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جهان می‌داند؛ که طی یک قرن اخیر تلاش بی وقفه ای برای پیشبرد و توسعه آغاز کرده است. (رضایی، دهکردی: 1385، ص 31) از آنجایی که تهیه سند آینده جامعه دارای فرآیند علمی و فنی دقیقی است و نیازمند یک فرایند علمی تخصصی می باشد، از این رو سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور به عنوان یک سند راهبردی با طی فرایند طولانی و بهره‌گیری از دستاوردهای علمی مختلف تدوین گردیده است.(همان: ص 52-54)

1. **تدوین و تصویب سند(نوع سیستم)**

اندیشه ترسیم سند چشم انداز ناشی از احساس خلأیی بود که در راستای سیاستگذاری در کشور وجود داشت. ضرورت داشتن چشم انداز به صورت مقطعی و در یک سال خاصی انجام نشده است بلکه با گذر زمان و دریافت ضرورت داشتن چشم انداز کشور، این مسئله از سال ۱۳۸۱ جدی تر شد و به صورت رسمی، مجمع تشخیص مصلحت نظام آن را در دستور کار خود قرارداد و کمیسیون تخصصی ویژه ای را در این جهت مأمور کرد. بعد از انقلاب اسلامی از یک طرف مسئولان به دنبال تمدن اسلامی بودند و از طرف دیگر در تکاپوی توسعه کشور؛ محسن رضایی در این رابطه می نویسد:« برای قرار گرفتن در زمره کشورهای پیشرفته در آینده نزدیک باید امروز بذر ترقی و پیشرفت در آحاد ملت ایران افشاند.»(رضایی:1384 ، ص20)

در سال ۱۳۸۷ بحثی تحت عنوان افق آینده در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام آغاز شد در این مسیر روشن شد که مفهومی در برنامه ریزی و مدیریت های کلان در جهان تحت عنوان چشم انداز را پیدا کرده است؛ پس از آن که این موضوع خدمت رهبری مطرح گردید، و ایشان این مسئله را یک حلقه مفقوده راهبردی تعبیر و به مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ کردند که چشم انداز ۲۰ ساله آینده کشور را ترسیم کند.

در فرآیند شکل گیری سند چشم انداز می توان بر نقش 3 گروه تأکید کرد:

1. سازمان مدیریت و برنامه ریزی دولت جمهوری اسلامی؛

2.گروه توسعه صنعتی کشور وابسته به وزارت صنایع و معادن؛

3. گروه کارشناسی چشم انداز در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.( عزمی:1387،ص 101)

مبینی دهکردی در باره نحوه تنظیم و تصویب سند چشم انداز می گوید که: در راستای احساس نیاز به یه برنامه کلان بلند مدت، در دولت دوم آقای هاشمی رفسنجانی، نگاه بلندمدت به آینده ایران در قالب «ایران ۱۴۰۰» مورد توجه قرار گرفت و سازمان برنامه و بودجه طی سال های ۷۶-۱۳۷۵ مسئول تدوین برنامه بلندمدت ۲۰ ساله ایران شد. در این طرح دستگاه های مختلف برنامه های بلندمدت خاص خود برای زمان های ۲۰ الی ۲۵ساله را طراحی و تدوین کردند و در مجموع جایگاه برنامه ریزی در کشور و انطباق کلیه کارها با برنامه ها و نیز داشتن برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت برای اقدامات بزرگ در سطح ملی مورد توجه ویژه قرار گرفت. طرح «ایران ۱۴۰۰» مراحل کارشناسی را طی کرد ولی به مرحله تصمیم گیری رسمی و قانونی نرسید. در آن طرح، ۳ برابر شدن درآمد سرانه ایران در یک افق بیست ساله، ۴ برابر شدن تولید ناخالص داخلی و ۳ برابر شدن سهم صنعت پیش بینی شده بود. در سال ۱۳۷۹ تیم مشترکی از سازمان برنامه و بودجه و وزارت مسکن و شهرسازی موفق به تهیه طرح آمایش سرزمین شد که این طرح در هیئت وزیران نیز مطرح شد. در همین سال یعنی سال ۱۳۷۹، اولین ایده های تدوین سند چشم انداز که البته آن موقع این که اسم این سند «چشم انداز» باشد یا هر عنوان دیگری مطرح نبود بلکه ایده این که ایران بتواند به جایگاه واقعی و اول منطقه دست یابد توسط رهبری نظام مطرح شد. لذا بر اساس رهنمودها و دستور رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال های نوین حیات خود پس از پایان ریاست جمهوری مرحوم آیت ا... رفسنجانی در سال ۱۳۸۱ در اولین نشست دوره جدید اعضای مجمع بارهبری که در اوایل سال ۱۳۸۱ برگزار شد، کمیسیون خاصی در مجمع تشکیل شد تا ساز و کار موثر و کارآمدی را برای نظارت عالیه بر طرح های کلان و بازنگری در عناوین مورد نیاز سیاست گذاری های بلند مدت طراحی و به مجمع و نهایتا رهبری پیشنهاد کند. این کمیسیون متشکل از برخی اعضای مجمع، جلسات متعددی را به ریاست دکتر محسن رضایی برای بررسی و اجرایی کردن رهنمودها و فرمایش های مقام رهبری تشکیل داد و نهایتا به یک جمع بندی در مورد ضرورت تغییر در عناوین سیاست های کلی و اولویت بندی آن ها بر اساس مسائل مهم کشور رسید که یکی از مهم ترین مسائل مطرح شده در این جلسه ها، ضرورت تدوین و تعیین اهداف کلان ملی برای کشور در آینده و در قالب چشم انداز کلان کشور بود. جمع بندی های این کمیسیون، در آبان ماه ۱۳۸۱ به استحضار مقام معظم رهبری رسید و بر ضرورت تغییرهایی در عناوین سیاست های کلی تأکید شد. رهبری نیز با استقبال از این موضوع بحث ضرورت داشتن چشم انداز بلندمدت را در تدوین سیاست های کلی دانستند و طی نامه ای در دی ماه ۱۳۸۱ تاکید کردند:

«1- آنچه به عنوان سیاست های کلی تصویب می شود باید ناظر به تصویرکلی مطلوب کشور در مقطع زمانی مشخصی باشد. ترسیم این چشم انداز نیز کار لازمی است که شایسته است به وسیله آن مجمع محترم تدوین و پیشنهاد شود.

۲ - بررسی و تعیین سیاست های کلی درباره همه موضوعات کشور، قابل توقف نیست و لازم است استمرار یابد و... .»

در شرایط جدید که موضوع تدوین سند چشم انداز به طور جدی تری مورد توجه مسئولان نظام قرار گرفت، هم دولت (سازمان مدیریت و برنامه ریزی وقت) و هم مجمع تشخیص مصلحت نظام به صورت فشرده و مستمر روی آن فعالیت های مطالعاتی و تحقیقاتی را آغاز کردند. در مجمع تشخیص مصلحت کمیسیون ویژه ای به مسئولیت دکتر محسن رضایی و باحضور آقایان*: دکتر عارف، دکتر لاریجانی، مهندس مرتضی نبوی، مهندس زنگنه، دکتر ایروانی، مهندس میرسلیم، مهندس مظفر، مهندس باهنر، حجت الاسلام روحانی و حجت الاسلام انصاری -و خود شخص مبینی-*تشکیل شد. بحث مربوط به چگونگی تعریف سند چشم انداز، نحوه ترسیم و متدولوژی علمی آن و نحوه همکاری مراکز علمی و پژوهشی و قوای سه گانه بود و تصمیم گیری شد پس از تعیین خط مشی چگونگی تدوین چشم انداز، از متخصصان مربوط دعوت به عمل آمد و با تهیه برنامه زمان بندی و تشکیل جلسات کارشناسی، ابعاد گسترده تری به فرآیند تهیه سند داده شد و تا زمان تصویب وابلاغ سند این روند ادامه پیدا کرد.

مباحث پیرامون این موضوع در مجمع تشخیص مصلحت نظام بحث الزامات آن مورد بررسی قرار گرفت و در قالب ۲۴ بند تصویب شد. این مواد عبارت بودند از:

* هماهنگی و نظارت بر حسن اجرای چشم انداز با ایجاد ساختار و ساز و کارهای مناسب،
* ایجاد درک مشترک و فرهنگ سازی در خصوص چشم انداز و ایجاد باور، عزم، اراده ملی، خواسته ها، مطالبات عمومی
* هم راستایی، هم سوسازی و برقراری ارتباط کمی و کیفی برنامه های پنج ساله و بودجه های سالیانه با سند چشم انداز،
* ارتقای کارآمدی نظام اداری کشور با اصلاحات ساختاری، فرآیندی و کارکردی،
* تحقق رشد مستمرو پرشتاب اقتصادی،
* بهبود فضای کسب و کار کشور،
* بازنگری در مأموریت های دستگاه های اجرایی، تقنینی و قضایی کشور و اصلاح ساختار آن ها و تحول در شیوه مدیریت و فرهنگ سازمانی آن ها و ارتقای کارآمدی، سلامت، استقلال و روزآمد بودن آن ها،
* همکاری بخش های حاکمیتی و نهادهای مردمی و تسریع در نهادینه کردن و احیای حقوق عامه و حقوق شهروندی، طراحی و ارائه الگوی توسعه کارآمد همه جانبه،
* تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن و تشکیل صندوق توسعه ملی،
* دست یابی به اقتصاد مبتنی بر دانش، فناوری و نوآوری،
* استقرار نظام نوآوری و تولید علم و فناوری ملی و منطقه ای وحمایت از ظرفیت های تولید علم و فناوری،
* تربیت افراد خلاق و نوآور،
* ایجاد سیستم پویا و شبکه ای بین مراکز علمی و پژوهشی،
* تقویت و توسعه فراگیر زیرساخت های فناوری اطلاعات و ارتباطات،
* تحکیم امنیت و وحدت ملی، تقویت نظم عمومی، انسجام و سازگاری اجتماعی،
* تحکیم الگوی مردم سالاری دینی،
* گسترش و تعمیق پیوندهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، علمی و تسهیل ارتباطات بین جوامع و دولت ها در منطقه و جهان اسلام،
* تعامل سازنده با فرآیند و روند طبیعی جهانی شدن،
* ارتقای کارآمدی بیشتر در روابط خارجی در تعامل و مناسبات منطقه ای و بین المللی،
* حمایت از حقوق ایرانیان خارج از کشور،
* تلاش برای ایجاد نظامات جدید منطقه ای و جهانی مبتنی بر عدالت، آزادی، صلح، امنیت و رفاه همگانی،
* حضور موثر در جامعه اطلاعاتی به عنوان محوری برای توسعه متوازن و دستیابی به جامعه دانایی محور.

با تصویب سند چشم انداز در صحن اصلی مجمع در مهرماه سال ۸۲ نسخه نهایی سند به مقام رهبری داده می شود . البته رهبری اصلاحاتی را در آن انجام داده و سپس آن را ابلاغ کردند. این اصلاحات جزئی بود و می توان به دو نمونه در این رابطه اشاره کرد؛ نخست، در معرفی تصویر ایران در افق ۱۴۰۴، رهبری تاکید کرده اند که توسعه یافتگی کشور همراه خواهد بود با هویت اسلامی و انقلابی جامعه ایران؛ دوم، شیوه دست یابی به جایگاه اول منطقه است که آن را از راه تاکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم در کنار موارد دیگر. (مبینی دهکردی:1388)

دو انتقاد عمده بر سند در نحوه تهیه آن وارد شده است:

1- عدم استفاده بهینه از نظرات کارشناسان: در تهیه سند فقط نظرات افراد و گروه‌های نام‌ برده شدن لحاظ شده است و حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد نخبگان از آن بی‌خبر بودند.

2-جنبه نظری سند چشم انداز: سند چشم انداز جنبه نظری صرف دارد و از آنجا که در نهاد های سیاسی به تصویب رسیده است متأثر از این بخش است.( اخوان کاظمی:پبشین، ص95)

هرچند می توان بخشی از این انتقادها را پذییرفت؛ اما تهیه سند چشم انداز بنا به گفته رئیس وقت سازمان مدیریت و برنامه و بودجه از تیم کارشناسی خبره ای برخوردار بوده است.

در ادبیات مدیریت و رهبری یک اصل اساسی وجود دارد و آن این است که همه کارها قابل انجام است، با در نظر گرفتن اینکه هر کار هر چه دشوارتر ، برنامه ریزی دقیقتر **؛** مطالعات و تجربیات انسانها و جوامع نشان داده است که با تصور و طراحي وضعيت مطلوب و يافتن يا پيش بيني كردن راهها و وسايل نيل به آن وضعیت می توان به آن دست یافت ؛ از این روست که گفته اند برنامه ریزی یعنی پیش بینی و تغییر آینده، یا تصور و طراحي وضعيت مطلوب، و يافتن يا پيش بيني كردن راهها و وسايل نيل به آن. باید برنامه ریزی را جوهر مدیریت به شمار آورد و از آنجا که برنامه ریزی برای دست یابی به یک هدف و تحقق بخشیدن به آن است از این رو جوهر و قلب برنامه را نیز باید هدف و هدف گذاری دانست و به همین سبب علاوه بر ضرورت برخورداری از هنر مدیریت و مهارت برنامه ریزی نیازمند به برخورداری از مهارت هدف گذاری نیز هستیم . برنامه ریزی ما را نسبت به انجام فعالیتهای معین و خاص برای تحقق بخشیدن به اهداف ملزم و متعهد می سازد و خود نیز یک ابزار کنترلی است. (امیری: 1385، 34-5)

یکی از نکات مهم در تدوین سند چشم انداز در هر کشور اتخاذ روشهای کارآمد و بهره گیری از مکاتبه فکری در تعیین زیرساخت‌ها مولفه ها و ترکیب محتوا و متن چشم انداز است. در صورت عدم اتخاذ رویکردهای مدیریتی کارآمد نمی‌توان در مورد یکپارچگی جامعیت و مبنا مندی سند چشم انداز بر اساس یک دیدگاه معین و مشخص اظهار نظر نمود.از مهمترین ارکان مدیریت در دنیای امروز، ارائه تصویری از آینده در محیط تحت رهبری است مدیریتی موفق خواهد بود، که سرمایه اجتماعی و انگیزه لازم را برای تحقق تصویر آینده ایجاد نماید. ایجاد چنین بینشی در سطح جامعه مستلزم به کارگیری روش‌های علمی و نظام مند آینده ما با مشارکت خبرگان و نخبگان است.(رضایی:1384، ص16)

در ارتباط با اجرا و پیاده سازی سند چشم انداز رفتارهای رسمی و هنجاری مورد انتظار یا آنچه باید به درستی روشن نیست، و در حالی که سند چشم انداز تمامی دستگاههای اجرایی و نظام اداری و کارگزاران آنها را مأموریت گرا کرده است نه مأموریتها و انتظارات سند چشم انداز از دستگاه های اجرایی در قالب سند ها و برنامه های راهبردی منسجم ، مرتبط و هماهنگ مشخص شده است و نه کارگزاران این دستگاه ها چنین نقشی را برای خود قایل هستند . برای دستیابی به اهداف سند، وزارتخانه ها ، سازمانها و تمامی دستگاههای اجرایی و استانها بایستی در سندها و برنامه های راهبردی خود این ویژگیها را مد نظر قرار داده ، ویژگیهای نیروی انسانی خود را نیز متناسب با آنها تعریف و تعیین کرده و در جهت تحقق یافتن آنها تدارک ببینند ؛ یعنی هر یک از نهادها و سازمانهای دولتی و غیر دولتی بایستی با توجه به مهارتهای مورد نیاز برای شهروندان ، مهارتهای مورد نیاز سازمان یا نهاد خود را تبیین و تعیین نماید. امیری در این باره می نویسد که : « مدیریت عوامل محیطی مستلزم ایفای نقش فعال و فوق فعالی است که می توان تجلی آن را در قدرت انطباق دادن خود با شرایط و همراهی با آن[[1]](#footnote-1) و انطباق دادن شرایط یا همراه کردن آن با خود [[2]](#footnote-2)مشاهده کرد . اما نظامهای آموزشی ما نه توانسته اند خود را با این مفاهیم و لوازم توسعه در دنیای جدید هماهنگ کنند و نه می توانند چنین الزاماتی را که لازمه برنامه های توسعه ای چشم انداز محور است فراهم بیاورند ؛ نگاهی به عملکرد مدیران نظام نشان می دهد که سقف توانمندیهای اکثریت آنان را باید در توانمندیهای نوع اول جستجو کرد ، در حالی که نیاز کشور و اهداف و الزامات سند چشم انداز ما را به کسب توانمندی در نوع دوم فرا می خواند . بیشتر مدیران کشور بیش از آنکه عوامل مشکل ساز و مشکلات و مسایل مبتلا به را در درون جستجو کنند آنها را به محیط نسبت داده و در بیرون جستجو می کنند به عبارت دیگر آنان بیش از آنکه به محیط به عنوان فرصت بنگرند آن را تهدید فرض کرده و منشأ گرفتاریهای خود به شمار می آورند ؛برای مثال در یک کارگاه آموزشی که تمامی مدیران عالی و میانی یکی از دستگاههای اجرایی کلان کشور در آن حضور داشتند ( در حدود 120 نفر ) تنها شمار اندک و انگشت شماری از آنان علل ظهور و بروز مسایل را مربوط به درون سازمان می دانستند و از آنجا که واقعیت محیط هر چه باشد از فیلتر ذهن مدیران می گذرد از این رو دشمن فرض کردن محیط و تهدید قلمداد کردن آن از سوی آنان خود مسأله کوچک و ناچیزی نیست که بتوان به سادگی از آ ن گذشت و آن را نادیده انگاشت.»(امیری: پیشین،43-4)

ژاپنیک نمونه موفق در برنامه ریزی کلان:

کشور ژاپن اکنون در حال اجرای سومین برنامه راهبردی بلند مدت 25ساله است . مدیریت برنامه ریزی های راهبردی در ژاپن را بخش خصوصی بنام فدراسیون فعالیت های اقتصادی ژاپن برعهده دارد که یک N.G.O واقعی با صدها کارشناس اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، روابط بین الملل و استراتژیک در کشورهای مختلف جهان است.

فدراسیون فعالیت های اقتصادی در ژاپن، پنج وظیفه اساسی را بر عهده دارد:

* شناسائی و جذب کارشناسا ن نخبه در داخل و خارج از ژاپن و در حوزه های مختلف علمی و دریافت منظم اطلاعات و تحولات جاری و آتی از نخبگان؛
* پیش بینی علمی تغییرات استراتژیک جهان در زمانبندی های 10 تا 50 ساله؛
* تهیه برنامه های 25 ساله راهبردی برای توسعه ژاپن و تحویل آن به مجلسین سنا و نمایندگان ژاپن جهت تصویب و ابلاغ آن به دولت جهت اجرا؛
* ارزیابی عملکرد برنامه های راهبردی به اتمام رسیده و برنامه راهبردی در حال اجرا و تشخیص میزان انحراف دولت از برنامه راهبردی طراحی شده؛
* دادن اخطارهای لازم به دولت در صورت انحراف از برنامه راهبردی و تعیین میزان انحراف دولت از برنامه های راهبردی و در صورت نیاز توقف دستور اجرای برنامه راهبردی.

در ژاپن براساس قانون اساسی، همه احزاب و فعالان سیاسی و اجتماعی پذیرفته اند که برنامه های راهبردی طراحی شده از سوی فدراسیون را که هیچ وابستگی به هیچ حزب یا دولتی ندارد را اجرا کنند. (دهقان:1388، ص 83-5)

برای درک بهتر عوامل مؤثر بر تنظیم و ترسیم سند چشم انداز، شکل پایین می تواند به ما کمک کند:

**شکل شماره 1- عوامل مؤثر در تدوین و اجرای سند**

عوامل مؤثر در اجرای سند را می توان بدین شکل تقسیم بندی کرد. قوانین و مقررات روش ها در بخش سازماندهی قرار می‌گیرد ، این برنامه ها عبارتند از:

* سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
* قانون اصلاح موادي از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سياستهاي کلي اصل(44)
* قانونمديريت خدمات كشوري
* قانون تنظيم بخشي از مقررات مالي دولت
* آئين نامه اجرايي ماده (88) قانون تنظيم بخشي از مقررات مالي دولت
* قانون الحاق موادي به قانون تنظيم بخشي از مقررات مالي دولت مصوب
* برنامه چهارم توسعه اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي
* دستورالعمل اجرايي ماده 144 قانون برنامه چهارم توسعه (قيمت تمام شده فعاليت‌ها و خدمات)
* طرح‌ اصلاح‌ مصوبه‌ واگذاري‌ امور پشتيباني‌ دستگاهها به‌ بخش‌ غيردولتي‌
* واگذاري امور پشتيباني دستگاه‌هاي اجرايي به بخش غيردولتي
* جلب مشاركت مردمي و واگذاري امور و وظايف به بخش غيردولتي
* تشكيل كميسيون واگذاري جهت تحقق جلب مشاركت مردمي و واگذاري امور به بخش غيردولتي
* تصويب نامه آماده‌سازي اراضي موضوع برنامه واگذاري حق بهره‌برداري (اجاره 99 ساله)
* تصويب‌ نامه واگذاري كليه سهام دولتي و متعلق به دولت در بورس
* تصويب نامه هيئت عالي واگذاري در خصوص انحلال و واگذاري برخي شرکت ها
* سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه( معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی: بهار 1388 ،ص2)

در این باره همچنین می توان به برنامه های بیست ساله در ارکان ها و نهاد های مختلف در ذیل سند چشم انداز اشاره کرد؛ و نیز طرح هدفمندی یارانه ها؛ و برنامه ششم توسعه که هنوز در گیر وداد تصویب شدن است.

مدیران نهادها و سازمانها در بخش برنامه‌ریزی قرار می‌گیرد. ساخت و زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات و ساخت و زیر ساخت سیستم های ارتباط جمعی در بخش نظارت و کنترل قرار می‌گیرد. منویات و ابلاغیه ها ی رهبری در حکم قانون هستند و مسئولان باید متناسب با آن تصمیمات و اقدام های لازم را مبذول کنند. همچنین رهبری در فرآیند کنترل و نظارت نقش بسزایی دارد. مردم که در این حلقه نقطه اتصال و دال مرکزی هستند اما در ارتباط با سند چشم انداز کمترین تأثیر را داشته اند.( در این ارتباط در بخش های بعدی توضیحات بیشتری داده می شود.)

1. **قدرت ملی در سند چشم انداز**

دولت از نظر جغرافیایی در سرزمینی واقع می‌شود که بر آن حکمرانی می‌کند، و به عنوان عالیترین مرجع اقتدار مدعی سلطه انحصاری در درون قلمروی خویش است؛ یعنی حاکمیت دارد و این حاکمیت مشتمل بر دو بخش است: نخست اینکه در درون رقیبی ندارد، و دوم آنکه توسط دولت‌های دیگر هم به عنوان نهادی مستقل شناخته شده است. دولت منبع قانون است و اهداف دولت از سایر گروه‌ها گسترده‌تر و شامل تامین منافع عمومی است.( کاظمی، نظامی: 1389،ص 44)

3-1. قدرت ملی چیست؟

قدرت ملی وقتی در قالب یک جامعه یا ملت نگریسته شود، از برآیند توانایی های آن جامعه، قدرت عمومی و کلی آن صادر می شود. در واقع قدرت ملی عبارت است از توانایی و ظرفیت یک دولت و یک کشور برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود با هدف اعمال اراده ملی و تحصیل اهداف و منافع ملی.( حافظ نیا:1379، ص245) قدرت ملی دارای منشاء و مبادی گوناگون است که در یک کارکرده جمعی به تولید قدرت ملی می‌پردازد.هانس جی مورگنتا عوامل اصلی شالوده قدرت ملی را به ۸ جزء تقسیم می‌کند: موقعیت جغرافیایی،جمعیت، ظرفیت صنعتی، منابع طبیعی، روحیه ملی، خصوصیات ملی، آمادگی نظامی و کیفیت دیپلماسی(حافظ نیا:1386، ص67)

**3-2.** ابعاد قدرت ملی

داخلی: در این بعد مسائلی مثل تأمین امنیت داخلی، افزایش رفاه، توسعه و رشد اقتصادی و افزایش عدالت اجتماعی و سیاسی مورد نظر است.

خارجی: در بعد خارجی هم تامین امنیت ملی،حفاظت از منابع مالی، تامین استقلال، افزایش همکاری های بین المللی و بالا بردن قدرت تاثیرگذاری و افزایش پرستیژ بین المللی مورد توجه است.

**3-3.** مولفه های قدرت ملی در سند

**3-3-1.** شاخص فرهنگی و علمی:

شاخص فرهنگی در دو سطح مورد توجه قرار گرفته است:

**فرد:** در چشم انداز 1404 افراد جامعه ایرانی-اسلامی از این ویژگی ها برخوردارند: فعال، مسئولیت پذیر، ایثارگر، مومن، رضایتمند،برخوردار از وجدان کاری، انظباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام و شکوفایی ایران و همچنین مفتخر به ایرانی بودن.

**جامعه:** جامعه نیز از این ویژگی ها برخوردار خواهد بود: متکی بر اصول اخلاقی و ارزش های اسلامی،ملی و انقلابی، اخلاقی. همچنین رشد فرهنگ و آموزش و پژوهش را مد نظر قرار گرفته است.

**3-3-2.** به لحاظ علمی و فناوری:

 سند این اهداف را مد نظر قرار داده است: پویا در فکر و اندیشه.برخودار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی. دست یافته به جایگاه اول علمی، فناوری در سطح آسیای جنوب غربی(شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه ) با تاکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم.

**3-3-3.** شاخص اقتصادی:

ایران در چشم انداز1404 کشوری است توسعه یافته، دارای جایگاه اول اقتصادی در سطح منطقه و رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، همچنین سطح نسبی درآمد سرانه را ارتقا بخشیده و به اشتغال کامل رسیده است و فاصله درآمد میان دهک های بالا و پایین جامعه کاهش یافته است.

**3-3-4.** شاخص نظامی:

امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت. رشد و تقویت توانایی های دفاعی وامنیتی مورد تأکید گرفته است.

**3-3-5.** شاخص اجتماعی:

برخوردار از سلامت ، رفاه ، امنیت اجتماعی ، فرصت های برابر ، توزیع مناسب درآمد ، نهاد مستحکم ، به دور از فقر ، فساد ، تبعیض و بهره مند از محیط مطلوب و عدالت اجتماعی.

**3-3-5.** شاخص سیاست داخلی:

* پیوستگی مردم و حکومت
* مردم سالاری دینی
* آزادیهای مشروع
* حفظ کرامت و حقوق انسان ها
* بهره مند از امنیت اجتماعی و قضایی

**3-3-7.** شاخص سیاست خارجی:

 بنا نهادن جامعه ای که سیاست خارجی آن بر اساس معیارهای اسلامی، تعهد برادرانه نسبت به همه ی مسلمانان و حمایت بی دریغ از همه مستضعفان جهان، نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال و تمامیت ارضی، عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و راوابط صلح‌آمیز متقابل با دول محارب، مسائلی هستند که هم در قانون اساس و هم در سند چشم انداز مورد تأکیده بوده اند. به طور کلی این اصول عبارتند از:

* دارای هویت اسلامی و انقلابی.
* الهام بخش در جهان اسلام.متکی براصول اخلاقی و ارزش های اسلامی ، ملی و انقلابی.
* تأثیر گذار بر همگرایی اسلامی و منطقه ای.
* دارای تعامل سازنده و موثر با جهان براساس اصول عزت و حکمت و مصلحت.

**3-3-8.** شاخص دینی و ایدئولوژیک:

ایدئولوژی به گسترش مشروعیت نظام سیاسی می انجامد. افزایش مشروعیت بر قدرت تصمیم گیری می افزاید و در عین حال باعث تهدید و کنترل قدرت می شود.(قوام: 1387، ص ۷۵ ۷۶). مبانی دینی و ایدئولوژیک در سند از این قرار است: الهام بخش ، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم اسلامی دینی ، توسعه کارآمد ، جامعه اخلاقی ، نو اندیشی و پویایی فکری و اجتماعی. متکی است بر اساس تعالیم واندیشه های امام خمینی (ره ). در چشم انداز 1404هم فرد و هم جامعه دارای هویت انقلابی و اسلامی خواهد بود.

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| الهام بخشی | اندیشه امام | هویتی | ارزشی |

|  |  |
| --- | --- |
| استقلال | بازدارندگی |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| موثر در جهان اسلام | فعال در منطقه | تعامل سازنده |

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **جامعه اخلاقی** | **جنبش نرم افزاری** | **تولید علم و فناوری**  | **آموزش و پرورش** | **سهم برتر منابع انسانی** |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| جایگاه منطقه ای | رشد و توسعه | اشتغال و رفع فقر |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| امنیت غذایی | محیط زیست | تأمین اجتماعی | رفاه و سلامت | عدالت اجتماعی | خانواده |

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| پیوستگی مردم و حکومت | مردم سالاری دینی | امنیت قضایی | آزادی | کرامت و حقوق انسان |

**شکل شماره 2- مؤلفه های ملی در سند چشم انداز**

1. **نقش سند در افزایش مشروعیت حکومت**

بررسی سند مؤید این است که در آن دو نگاه قابل ملاحظه است:

یکی عقلانیت ابزاری(توسعه نگر) و دوم رویکرد ایدئولوژیک.

در نگاه اول، توسعه یافتگی اقتصادی، علمی و تکنولوژیکی دنبال می شده است. در بخش سیاسی،اجتماعی و فرهنگی تدوین گران نگاهی ایدئولوژیک اتخاذ کرده اند؛ در واقع سند با قانون اساسی و به طورکی با نظام سیاسی حاکم بر کشور یک مسیر را دنبال می کند، و در کنار آنها چشم اندازی را برای برنامه های توسعه آینده ترسیم می کند. به عبارتی در بخش اقتصادی سند متأثر از رویکرد توسع گرا و در بخش سیاسی و فرهنگی همان نگرش ایدئولوژیک حاکم است.

 سند 1404 را باید بازتولید کننده ارزش های نظام جمهوری اسلامی دانست. کاربست این دو نوع عقلانیت هم به افزایش کارآمدی نظام می انجامد و هم به مشروعیت سیاسی- مذهبی نظام جمهوری اسلامی. عنصر اصلی در جهت افزایش مشروعیت هر نظام، یه کارآمدی آن وابسته است. این کارآمدی به افزایش توان اقتصادی دولت و میزان پاسخگویی به مردم وابسته است. اقتصاد یکی از پایه های اصلی( و شاید مهمترین اصل) مشروعیت هر رژیم سیاسی است. دست اندرکاران سند چشم انداز با التفات به این واقعیت بخش اعظم سند را به مقوله اقتصاد اختصاص داده اند.

توسعه سیاسی و تأمین خواست شهروندان برای حضور هر چه بیشتر در فراگرد سیاست، و نیز تأمین آزادی و عدالت سیاسی و اجتماعی رکن دیگر مشروعیت هر نظام سیاسی خواهد بود. در سند چشم انداز بر عدالت اجنماعی، تأمین فرصت های برابر و آزادی های مشروع برای شهروندان اشاره شده است. نوع پرداخت به مقوله توسعه سیاسی در سند چشم انداز هم سنگ با میزان توسعه اقتصادی نیست؛ در حالی که یکی از الزامات سیاسی کشور افزایش توسعه سیاسی است که خود می تواند بر توسعه اقتصادی اثرگذار باشد.

1. **رابطه مردم و سند چشم انداز**

تعامل میان شهروندان با دولت به دو صورت است:

1- فعالانه(مشارکت قابل اعتماد): که در این نوع از مشارکت شهروندان نقش مهمی در فرآیند تصمیم گیری دارند.

2- منفعلانه(شبه مشارکت) : در تعامل منفعلانه دولت صرفاً به آگاه کردن شهروندان از تصمیم های اداری و قوانین و مقررات اشاره دارد.

در سه سطح می توان به رابطه بین مردم و حکومت پرداخت:

الف. در تدوین سند قبل از نهایی کردن آن: در این مرحله که نحبگان به تصمیم گیری پیرامون سند اقدام کرده اند، مردم کمترین سهمی نداشته اند.

ب. در تدوین سند( مفاد سند) رابطه میان حکومت و مردم به چه نفع صورت پذیرفته است؟ در این مرحله پس از تصویب سند، تنها به مردم اطلاع داده شده است.

ج. در اجرای سند چشم انداز (بازخورد): با توجه به اینکه دو مرحله قبلی با گسستی میان مردم و حکومت روبرو بوده ایم، بازخوردی هم صورت نخواهد گرفت. حتی از آموزش عمومی هم در قبال سند چشم انداز در طول این سال ها خبری نیست.

اگر بخواهیم میان سند و شهروندان رابطه ای برقرار کنیم این رابطه منفعلانه بوده است. به طور کلی سند چشم انداز سندی فرادستی است که حتی در میان مسئولان کشور شناخت درستی نسبت به آن وجود ندارد. نمی توان ارتباطی را میان سند چشم انداز و مردم قائل شد؛ از این رو امکان سنجی بازخورد مردم نسبت به دستیابی دولت های مجری برنامه های توسعه- که در ذیل سند چشم انداز تصویب شده اند – نسبت به چشم اندازهای اشاره شده ره به جایی نخواهد برد. در واقع ضرورتی برای پایبندی به سند شکل نگرفته و بازخوردی نسبت به آن اتفاق نمی افتد. در حالی که لزوم پاسخگویی مسئولان باعث می شود سیاستمداران بهترین تصمیمات را اتخاذ کنند و سیاست های اصلاحی را به کار ببندند. حاکمیت چنین شرایطی همان طور که گفته شد به نگرش و رفتار خود مسئولان و عدم توانایی یا حتا نادیده نگرفتن سند از طرف دولت هایی که در طول دوره اجرای سند قدرت را در دست داشته اند بر می گردد. در حالی که تدوین و تصویب سند چشم انداز توسعه بلندمدت کشور عملا در راستای توسعه کشور و در بین کشورهای منطقه صورت پذیرفته و این سند می تواند راهنمای عمل و حرکت جمعیت کشور تا دستیابی به توسعه تلقی شود. در این سند منظور از چشم انداز تصویر در افق زمانی بلندمدت مبانی ارزشی و آرمان‌های نظام و مردم تعیین می‌شود( رضایی :۱۳۸۴، ص 18) اما همواره مورد بی توجهی قرار گرفته است. چنانکه در پایان دوره برنامه پنجم توسعه دستیاببی به اهداف و چشم اندازهای سند1404 ناممکن به نظر می رسد.

در حقیقت چشم انداز هدایت برنامه های استراتژیک بلندمدت و کوتاه مدت را بر عهده دارد و با دیدی دوربرد در یک افق زمانی معین از انحراف برنامه ها و در نتیجه همگرایی و افزایش بازدهی آنها را بهمراه خواهد داشت. ( همان: ص ۱۹) تا زمانی که چشم انداز از حمایت وسیع مردمی برخوردار نشود امیدی به تحقق آن نیست. مردم باید بر فراگرد عرصه سیاستگذاری در کشور سهم بیشتری داشته باشند و مطالبه گری بایستی نسبت به دولت وجود داشته باشند. چنین امری نیازمند توسعه سیاسی هر چه بیشتر کشور و آموزش عمومی در جهت اعتلای فرهنگ سیاسی مردمان به واسطه شیوه های مختلف جامعه پذیری سیاسی خواهد بود. موفقیت سند نیازمند حضور و حمایت مردم در حوزه عمومی کشور خواهد بود: زمانی که چشم انداز به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی مردم درآید و از حمایت گسترده مردمی برخوردار گردد، آنگاه انگیزه مشارکت در افراد جامعه جهت دستیابی به اهداف چشم انداز به وجود خواهد آمد (رضایی،دهکردی: پیشین، ص ۲۲۶)

همان طور که در شکل شماره 3 نشان داده شده است، نه در ایده ها که در قسمت INPUT وارد سیستم می شود و نه در سیاست های اجرایی در قسمت OUTPUT مردم بر سند چشم انداز و برنامه های توسعه ای هماهنگ با آن نقشی را ایفا نمی کنند. در واقع مشخص نیست که بازخورد مردم نسبت به سند چشم انداز و برنامه های توسعه به چه نحو بوده است. بدون شک بخش اعظمی از این مسئله به عدم توسعه سیاسی در کشور بر می گردد. در واقع نبود احزاب پاسخگو و فرهنگ سیاسی تبعی و محدود شهروندان، آنها را در حول تصمیمات و سیاست گذاری ها قرار نمی دهد. بخش دیگر این موضوع به تصمیمات و سیاست های غلط مسئولان بر می گردد، که به جای افزایش نقش و تأثیرگذاری مردم، فقط بر شکل بسیج توده ای تأکید می کنند. چنین نگاهی از اتخاذ تصمیمات درست و کارآمد جلوگیری خواهد کرد.

مردم

خروجی

ورودی

مسئولان

 **شکل شماره 3 - رابطه مردم با سند چشم انداز**

**نتیجه گیری**

تحقیق حاضر تلاش اندکی بود در جهت بررسی رابطه متقابل سند چشم انداز 1404 و سیاست و حکومت در جمهوری اسلامی ایران. اگر این رابطه را به صورت یک طیف ببینیم، در یک طرف آن مسئولان و حاکمان نظام قرار دارند که سند چشم انداز از دل اندیشه های آنان بیرون آمده است و از طرف دیگر این سند چشم انداز است که می توانسته و می تواند بر نظام سیاسی کشور در جهت مشروعیت یابی و افزایش قدرت آن تأثیر فراوانی را با همراهی با دیگر عناصر به جای بگذارد. سند چشم انداز که نتیجه اندیشه ها و تصمیمات مجمع تشخیص مصلحت نظام در شکل یک گروه تخصصی که در همین جهت شکل گرفته، و نیز دولت اصلاحات به واسطه سازمان مدیریت برنامه و وزارت صنعت ومعدن است؛ حکایت از تصمیم سازی نخبه گرایانه ای می کند که حتی مجلس شورای اسلامی به عنوان مردمی ترین نهاد کشور در آن نقشی نداشته است. با این وجود اما این سند مذکور آن میزان پتانسیل را در جهت رسیدن به افق 20 سال آینده کشور، داشته است و اگر مشکلی در این رابطه وجود دارد باید آن را در نحوۀ پایبندی مسئولان در دولت های حاکم در دورۀ 1384 تا 1404 جست و جو کرد. دولت های نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم که مجری برنامه های توسعه بودند عهده دار سهم اصلی در موفقیت یا عدم موفقیت در نائل شدن به اهداف سند هستند. همچنین مجالس هفتم تا دهم نیز که نقش بسیاری در روند قانون گذاری در جهت توسعه کشور داشته اند دیگر عامل مؤثر در این‌باره بوده است. مسئله دیگر در سند پرداخت به مؤلفه های قدرت ملی است؛ بررسی این موضوع در سند نشان گر این است که پرداخت به آنها به صورت مناسب صورت گرفت است. در بخش اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، علمی، منابع انسانی، ایدئولوژی، سیاست خارجی و قدرت نظامی سند اشاره های مناسب و به جایی داشته است. تنها در بخش سیاست داخلی است که می توانست این اشاره و پردازش در ارتباط با توسعه سیاسی و افزایش عدالت سیاسی مورد توجه قرار گیرد. توجه سند به شاخص های گفته شده علاوه بر افزایش کارآمدی و افزایش قدرت کشور به مشروعیت هر چه بیشتر رژیم خواهد انجامید. چه بسا عدم موفقیت در این راه پر پیچ و خم، حکومت را با پرسش های بنیادین روبرو کند و بر نارضایتی هر چه بیشتر مردم بیانجامد. در نهایت می‌توان گفت که بخش اعظمی از عدم موفقیت کشور در جهت رسیدن به آرمان های سند به دلیل عدم دخیل کردن مردم بر اساس اهداف کلی نظام بوده است.

منابع:

* اخوان کاظمی ؛ نگاهی به سند چشم انداز ۲۰ ساله و مولفه های سیاسی آن بهرام،مجله حکومت اسلامی سال دهم شماره چهارم،1385
* امیری، مجتبی؛ درآمدی بر شناخت شناسی چالش در تحقیق و پیاده سازی چشم انداز، مجله مطالعات دفاعی استراتژیک زمستان ۱۳۸۵ شماره ۲۸
* حافظ نیا،محمدرضا؛ قدرت و منافع ملی، تهران، نشر انتخاب، ۱۳۸۶
* حافظ نیا، محمدرضا؛ مبانی مطالعات سیاسی-اجتماعی،قم،سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور،1379
* دهقان طرزجانی،محمود؛ پانزده سال با چشم انداز یا برنامه راهبردی، مجله راهبرد یاس،شماره 17، 1388
* رضایی ،محسن؛چشم انداز ایران فردا، انتشارات ایندیکا چاپ اول،1384
* رضایی میرقائد، محسن، مبینی دهکردی، علی ؛ ایران آینده در افق چشم انداز ،تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،1385
* سید محمد،رزمجوی، محرم اعرابی؛ الگوهای مناسب در یکپارچه سازی مدل مدیریت استراتژیک و تامین اهداف سند چشم انداز،تهران،مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق 1404 ،1382
* عزمی،آئیژ ؛جایگاه توسعه اجتماعی ایران در راستای سند چشم انداز، مجله راهبرد یاس؛شماره 15، 1387
* قوام،عبدالعلی؛ اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل تهران انتشارات سمت1388
* کاظمی،سیدحسین، نظامی،قدیر؛ الزامات اجرای سند چشم انداز در فرآیند ساختار مدیریت کشوری، مجله راهبرد بومی،1389،شماره 106
* معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی مرکز نوسازی و تحول اداری؛ مجموعه قوانین و مقررات واگذاری وظایف دولتی، بهار 1388
* ملکی فر،عقیل و همکاران؛ الفبای آینده پژوهی:علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا، تهران،کرانه علم،1385
* مبینی دهکردی،علی؛ روزنامه خراسان ،۱۳۸۸/۰۵/۲۴
1. Adaptation [↑](#footnote-ref-1)
2. Manipulation [↑](#footnote-ref-2)